

★ فدایی خلق مشعوف (سعید) کلانتری

۱۳۱۹-۱۳۵۴



سعید در سال ۱۳۱۹ در خانواده یک کارمند محروم دولت و پرعائله به دنیا آمد. برای کسری مخارج خانواده و مخارج تحصیل از همان اوان کودکی مشغول کار گردید. با علاقه ای که به امور فنی داشت پس از اتمام دوره ششم ابتدایی به هنرستان صنعتی تهران رفت و رشته فلزکاری و سپس برق را انتخاب کرد. به خاطر محیط سیاسی خانواده خیلی زود با مسائل سیاسی آشنا گردید.

۱۵ ساله بود که ورزش کوهنوردی را برگزید و پس از مدتی اقدام به تاسیس گروه کوهنوردی « کاوه » نمود. با همکاری رفیق علی اکبر صفایی فراهانی ، تعداد بسیار زیادی از دانش آموزان را به گروه کوهنوردی جلب نمود. از اوایل سال ۱۳۳۸ که زمینه ارتباط سعید با گروه جزنی (سعید دایی کوچک بیژن

بود.) فراهم شده بود برنامه ریزی های گروه کوهنوردی دقیق تر انجام می گردید. گروه کاوه در سطح کشور توانسته بود چندین مقام قهرمانی را به خود اختصاص دهد و از جمله سعید و صفایی و دیگران از جمله کوهنوردان معروف ایران در آن دوره محسوب می گردیدند.

در جنبش توده ای ۲۰ دی ماه همراه با رفیق صفایی و دیگران از یک سو و رفیق عزیزسرمدی و افشار از سوی دیگر شرکت فعال داشت. در طول تظاهرات ۲۰ دی ماه حدود ۵۰۰ دانش آموز و دانشجو دستگیر شدند که به جز سعید و چند نفر دیگر که به عنوان سازماندهان تظاهرات شناسایی گردیدند بقیه بعد از چند روز آزاد شدند. پلیس با وجود شکنجه های شدید نتوانست هیچ اطلاعاتی از سعید در رابطه با گروه بیژن بدست آورد و ۱۳ ماه بدون محاکمه در زندان ماند.

سعید پس از آزادی از زندان با جدیت و پشتکار همیشگی اش در جریان فعالیت های گروه قرار گرفت و ضمن سازمان دهی دانش آموزان در فعالیت های جبهه ملی به کار جدی در زمینه تدارک مبارزه قهرآمیز برآمد. در این سال ها با رفیق اسکندر صادقی نژاد آشنا شد و در پروسه بحث های درون گروهی به مبارزه مسلحانه و شیوه قهرآمیز مبارزه رای مثبت داد. وی اولین تیم کوه را با رفیق صفایی فراهانی تشکیل داد و یکی از کسانی بود که در رابطه با شناسایی مناطق کوهستانی و جنگل های شمال نقشه های دقیقی را برای گروه تهیه نمود. پس از اتمام هنرستان در کارخانه های مختلفی از جمله تاج اصفهان به عنوان تکنیسن برق مشغول به کار شد. پس از بازگشت به تهران دوره تکنیسن رادیو و تلویزیون را به پایان رساند و برای پوشش فعالیت های حرفه ای خود در گروه یک مغازه تعمیرات رادیو و تلویزیون را راه انداخت.

با ضربه گروه در دی ماه ۱۳۴۶، سعید همراه با رفقای باقیمانده گروه مخفی گردید و بنا بر تصمیم گروه قرار شد که همراه با چهار رفیق دیگر از کشور خارج و به فلسطین برود. عباس شهریاری از این تصمیم مطلع می گردد و به پلیس گزارش می کند. پلیس نیز برای دستگیری سعید و برای از بین بردن شکی که نسبت به عباس شهریاری بوجود آمده بود دست به ریسک خطرناکی می زند و برای دستگیری سعید می گذارد که رفقا صفایی فراهانی و صفاری آشتیانی از مرز بگذرند. این تاکتیک پلیس به شک سعید و دو رفیق دیگر نسبت به پلیس بودن شهریاری پایان می دهد و آن ها حاضر می شوند که از کانال عباس شهریاری و حزب توده از مرز خارج گردند. در تیرماه ۱۳۴۷ رفقا سعید، محمد چوپان زاده و کیانزاد در مرز خرمشهر دستگیر می گردند. فوراً زیر شکنجه های وحشیانه قرار می گیرند. در دادگاه نظامی به عنوان متهم ردیف اول، دادگاه فرمایشی را به صحنه ای از افشای رژیم شاه تبدیل می کند. به ده سال زندان محکوم می گردد. در فروردین ماه ۱۳۴۸ به دنبال شکست فرارش از زندان قصر باردیگر به زیر شکنجه برده می شود. به زندان بندرعباس تبعید می گردد و چند روز بعد از ورودش به زندان بندرعباس طی توطئه پلیس و رئیس زندان هنگام خروج از حمام مورد حمله چاقو کشان و اوباش قرار می گیرد و زخمی می گردد. مقاومت جانانه سعید در برابر این توطئه کثیف و درگیر شدن با چاقو کشان او را از مرگی که برایش رقم زده بودند می رهاوند. سعید به عنوان یک انسان صمیمی و مقاوم در میان زندانیان عادی بندرعباس به یک اسطوره تبدیل می گردد تا آن جا که حمله کنندگانش نیز در صدد دلجویی اش برمی آیند. سعید که بر اثر شکنجه های وحشیانه دوره بازجویی و سلول های نمود انفرادی به بیماری سل و آسم مبتلا شده بود در زندان بندرعباس حالش رو به وخامت می گذارد. اما سعید با ورزش کردن و تقویت روحیه و اعتماد به نفس تلاش می کند که بر این بیماری ها فائق آید. کوشش های خانواده و حتی عفو بین الملل برای انتقالش به تهران بی نتیجه می ماند و زمانی او را به اوین باز می گردانند که قصد شکنجه اش را به اتهام فرار از زندان بندرعباس داشتند. بعد از یک سال در زندان قصر در اواخر بهمن ماه ۱۳۵۳ برای آزار سعید وی را به بند معتادین مواد مخدر می فرستند. در اواسط اسفند او را از آن بند به زندان نامعلومی می فرستند تا آن که در ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ در کنار ۸ نفر از رفقای هم زندانی اش در تپه های اوین اعدام می گردد. **یادشان گرامی باد!**

سازمان اتحاد فداییان خلق ایران - ۱۳۸۲